**آینده پژوهی**

فریده تکلو

در عصری که تغییر مداوم و عدم اطمینان از مهم‌ترین ویژگیهای آن است و کسب و کارها هر روز با مسائل جدید و ناشناخته‌ای از جنس آینده روبه‌رو هستند، چگونه می‌توان برای آینده برنامه‌ریزی کرد. از این رو، برای شناختن آنچه آینده نامیده می‌شود، تکنیک‌های مختلفی بروز کرده‌اند. آینده‌نگری، آینده‌نگاری، آینده‌آزمایی و...

آینده پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که بااستفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم اینده‌های بالقوه و برنامه ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات (یا تغییر نکردن) «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌یابد.(برگرفته از سايت آينده پژوهي)

آینده پژوهی معادل لغت لاتین «Futures Study» است. کلمه جمع Futures به این دلیل استفاده شده‌است که با بهره گیری از طیف وسیعی از متدلوژی‌ها و بجای تصور «فقط یک آینده»، به گمانه زنی‌های سیستماتیک و خردروزانه، در مورد نه فقط «یک آینده» بلکه «چندین آینده متصور» مبادرت می‌شود.

سناریو،توصیفی از رویدادهای ممکن و چند گانه است که آمکان وقوع آنها در آینده وجود دارد و با استفاده از آنها می توان در باره آینده و آنچه باید انجام داد به طور جدی اندیشید(عباسی،محمودی،1386)

موضوعات آینده پژوهی دربرگیرنده گونه‌های «ممکن» ،«محتمل» و «مطلوب» برای دگرگونی از حال به آینده می‌باشند. در آينده‌انديشي، درك مفهوم و ابعاد زمان، نقشي كاملاً بنيادين بر عهده دارد. یکی از پیش فرض‌های آینده‌پژوهی اذعان به وجود گزینه‌های متعدد آینده است‌؛ آینده ممکن: هر چیزی اعم از خوب یا بد، محتمل یا بعید، می‌تواند در آینده رخ دهد. آینده‌های محتمل: آنچه به احتمال بسیار زیاد در آینده به وقوع خواهد پیوست (مبتنی بر استمرار روندهای کنونی در آینده). آینده‌های مرجّح: آنچه مطلوب‌ترین و مرجّح‌ترین رویداد آینده به شمار می‌رود. هدف محتمل ساختن آینده‌های مرجح یا مطلوب است. بدین منظور باید ازآنچه که می‌خواهیم بیافرینیم تصویری روشن و شفاف در ذهن داشته باشیم (به ویژه از ارزش‌هایی که می‌خواهیم بر جوامع آینده حاکم باشند). توجه به آینده‌های ممکنی است که علی‌رغم تردید در وقوعشان‌, تحقق برخی از آنها اثر بزرگی بر زندگی مردم می‌گذارد. (Bell ,2003 )بر همین اساس، سه رویکرد به مطالعه­ی آینده وجود دارد: الف- آینده‌پژوهی تحلیلی، که گاه آینده‌ پژوهی اکتشافی نیز نامیده می‌شود، ب- آینده ‌پژوهی تصویرپرداز و ج- آینده‌ پژوهی هنجاری، که گاه از آن با عنوان آینده ‌پژوهی مشارکتی نیز یاد می‌شود.

آینده ‌نگاری فرآیندی سیستماتیک، مشارکتی و گردآورنده ادراکات آینده است، که چشم­اندازی میان‌مدت تا بلندمدت را با هدف اتخاذ تصمیمات روز‌آمد و بسیج اقدامات مشترک بنا می‌سازد. آینده ‌نگاری ابزاری برای درک آینده‌های محتمل، آمادگی بهتر برای رویارویی با آینده و تصمیم‌سازی برای نیل به آینده­ا‌ی مطلوب است. آینده ‌نگاری شامل تلاشی نظام­مند برای بررسی و خلق آینده‌ی درازمدت علم، فناوری، اقتصاد، محیط و جامعه به‌منظور شناسایی فناوری‌های عام نوظهور، حوزه­های پرمنفعت اقتصادی و سایر حوزه‌های زیربنایی راهبردی است که به احتمال فراوان،‌ بیشترین منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را خواهند داشت. آینده ‌نگاری نوعی مدیریت و مهندسی جامع آینده و ایجاد فرصت برای ساختن آینده­ی مطلوب است .  آینده‌ نگاری کار خود را با شناسایی آینده­­ی بدیل آغاز می­کند و با بررسی آن­ها، امکان وقوع و اثربخشی هر انتخاب را مشخص می‌کند.  بعد از این مرحله نوبت به انتخاب گزینه‌­ی مطلوب براساس معیارهای امکان و اثربخشی می‌رسد، در واقع خروجی این مرحله لیستی از اولویت‌های برتر از تصاویر آینده می‌باشد. (Slaughter, 1995)

امروزه مدیران با مشکل واقعی تلاش برای هدایت سازمانهای خود در یک محیط نامطمئن و متغیر و توافق بر سر پیگیری انواع برنامه های کاربردی و عملی روبه‌رو هستند. پرسشی که در اینجا مطرح است، آن است که سازمانهای امروزی چگونه می توانند در شرایطی که محیط نامطمئن است، تکنولوژی در حال تغییر مستمر است و رقابت بر سر منابع به شکلی نادرست در حال شکل گیری است، برنامه های سودمند و معنی دار را توسعه دهند؟

امروزه سرعت تغییرات آن قدر زیاد است که دیگر نمی توان با روش های سنتی با آنها کنار آمد.در این میانه دانشی زاده می شود که سعی می کند با پیش بینی عوامل موثر در تغییرات آینده،جامعه را برای مواجهه با آنها آماده می کند.بنابراین شناخت آینده از حیاتی ترین علوم مورد نیاز هر ملتی است(اندیشکده روابط بین الملل ،1386)

مدیران در عصر نبود اطمینان، آخرین تلاش های مدیریتی خود را برای بیان مشکل، برنامه ریزی کرده اند. تکنیک های منتخب آنها پرشمار هستند:
برنامه ریزی استراتژیک، برنامه ریزی بلندمدت، برنامه ریزی کوتاه مدت، مدیریت بحران، مهندسی مجدد، طراحی مجدد، چارچوب بندی مجدد.

مدیران موفق بخشهایی از تکنیک های گوناگون مدیریت را بر می گزینند که در محیط آنها قابل اجرا است و رویکردهای دشوار متون مدیریتی را نادیده می گیرند.
سناریوپردازی، یک تکنیک برنامه‌ریزی است که توجه آن به محیط نامطمئن امروز معطوف است و رویکردی منعطف را برای مشاهده آینده و محک زنی آن به مدیران می دهد. سناریوپردازی، به مدیران کمک می کند تا مفروضات خود را پیرامون آینده و سازمان شناسایی کرده، مدل های ذهنی شخصی خود از آینده را تشریح کنند و سپس آن اطلاعات را برای بررسی و احیای سازمان به کار گیرند.

آینده اساسا قرین به عدم قطعیت است. با این همه آثار و رگه‌هایی از اطلاعات و واقعیات که ریشه در گذشته و حال دارند، می‌توانند رهنمون ما به آینده باشند. «تصمیم گیری صرفاچندین آینده محتمل بر اساس تجارب گذشته»، غفلت از رصد تغییرات آتی را در پی خواهد داشت و با تلخکامی روبرو خواهد شد.

عدم قطعیت نهفته در آینده برای بعضی، توجیه کننده عدم دور اندیشی آنان است وبرای عده‌ای دیگر منبعی گرانبها از فرصت‌ها، اشتیاق بشر برای دانستن در باره آینده از عهد باستان وجود داشته‌است پیشگویان و کاهن‌ها نمونه‌هایی از کسانی هستند که در گذشته تلاش داشتند به نحوی به این اشتیاق در نزد خاص و عام پاسخ دهند.

اولین نشانه‌های جدی تر توجه بشر به آینده در عصر روشنگری دیده می‌شود، عصری که بشر باور داشت که علوم برای هر چیزی راه حلی خواهند یافت. قوانین نیوتن در مورد حرکت، درک و تحلیل بسیاری ازپدیده‌ها را ممکن ساخته بود. در اثر رشد شتابان علوم در این دوره، متفکرین عصر روشنگری واقعا به این نتیجه رسیده بودند که تنها زمان می‌خواهد تا همه قوانین و قواعد جامعه و محیط پیرامون بشر معلوم و آشکار شود.(برگرفته از ويكي پديا)

آینده شناسی:مطالعات چند رشته ای و بین رشته ای است که به منظورشناخت وضعیت ممکن یا مطلوب یک جامعه در آینده،صورت می گیرد.آینده شناسی فرایندی است که به پیش بینی چندین رویداد مختلف در آینده می پردازد.در این تعریف، واژه ء پیش بینی به مثابه گزاره ای به کار می رود که گویای احتمال نسبی وقوع برخی از فراینده های کلی یا رشته ای از وقایع است(غفرانی،1379:246)

یکی از ملزومات توسعه و پیشرفت در هر زمینه، داشتن بینش نسبت به محیط، تصمیم‌گیری به موقع و داشتن برنامه هدفمند جامع و مانع است و این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه امر آینده‌اندیشی به صورت صحیح و موفق انجام گیرد. یکی از عواملی که به طور عام در طول تاریخ و به طور خاص در عصر کنونی و آینده باعث تغییر و تحولات سریع در محیط می‌شود و همچنین برتری ملتها و کشورها را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی رقم می‌زند، توانایی فنی و دسترسی به فناوری است. انتظار می‌رود رشد فزاینده تکنولوژی در آینده، شکل‌دهی اقتداری جهان را همچنان تحت تاثیر قرار دهد. از آنجا که تکنولوژی‌های آینده و تحقیقات استراتژیکی که این فناوری‌ها را تقویت می‌کنند، غالباً آن قدر پرهزینه هستند که صنایع، مسئولیت پشتیبانی از آنها را بر عهده نمی‌گیرند و از سوی دیگر دولتها نیز به دلیل محدودیت بودجه عمومی نمی‌توانند سرمایه‌های لازم را برای تمام حوزهای تکنولوژی و تحقیقاتی را که دانشمندان یا صنعتگران خواستار آن هستند، تامین کنند.

مفروضات كليدي‌ آينده پژوهان

1. زمان، پيوسته، خطي، يك‌سويه و بازگشت‌ناپذير است. رويدادها در زماني پيش يا پس از رويداد‌هاي ديگر به وقوع مي‌پيوندند و پيوستار زمان، گذشته، حال و آينده را تعريف مي‌كند.

2.چنين نيست كه هر چه در آينده وجود خواهد داشت، در گذشته يا حال نيز وجود داشته است. بنابراين چه‌بسا آينده، بستر پديده‌هايي فيزيكي، زيستي يا اجتماعي باشد كه پيش‌تر، هرگز وجود نداشته‌اند.

3.اقدام بشري، نيازمند آينده‌انديشي است چراكه پيامدهاي هر اقدام، همواره در بستر آينده آرميده‌اند؛ اما تودة مردم و حتي تصميم‌گيران تراز اول، چندان خوب، دربارة آينده نمي‌انديشند و اين در حالي است كه مي‌توان قدرت و سودمندي تفكر دربارة آينده را بهبود بخشيد.

4.براي پيشبرد اهداف و برنامه‌هاي بشر در جهان، چه در چارچوب‌هاي فردي و چه در قالب‌هاي گروهي، سودمندترينِ دانش‌ها، دانش آينده است. انسان‌ها همراه با زمان، پيوسته به سوي آينده در حركت هستند. آن‌ها براي برنامه‌ريزي، بررسي گزينه‌هاي بديل، گزينش اهداف و تصميم‌گيري دربارة نحوة اقدام، به شناخت آينده و آگاهي از چگونگي تأثير علت‌هاي امروز بر معلول‌هاي فردا، نياز دارند.

5.هيچ شاهدي دربارة آينده وجود ندارد و نمي‌توان آن را به عينه ديد. بنابراين هيچ حقيقتي دربارة آينده وجود ندارد. اما همان‌طور كه در فصل پنجم خواهيم ديد، مي‌توان براي شناخت آينده، نوعي دانش مبتني بر حدس و گمان استخراج كرد.

6.آينده از پيش تعيين شده نيست و كمابيش امكان تغيير آن وجود دارد. از آنجا كه آينده، هنوز روي نداده است، براي بشر ـ به عنوان موجودي صاحب ‌شناخت ـ غيرقطعي به شمار مي‌آيد. براي انسان‌ زنده‌اي كه در راستاي پيشبرد اهداف خود در جهان تلاش مي‌كند، آينده نماد اختيار، قدرت و اميد است؛ آينده، زماني است كه چه‌بسا رؤياهاي بشر را به واقعيت تبديل نمايد.

7.اقدام‌هاي فردي و گروهي ما، كمابيش پيامدهاي آتي را تحت تأثير قرار مي‌دهند. ارادة بشر، دست كم به بخشي از آينده شكل مي‌دهد؛ خواه اين تأثير از طريق كنترل بشر اعمال شود، خواه با انطباق ناشي از پيش‌بيني.

8.با توجه به وابستگي متقابل پديده‌ها در جهان، هم براي سازمان‌دهي دانش معطوف به تصميم‌گيري و هم براي اقدام اجتماعي، به ديدگاهي كل‌گرايانه و فرارشته‌اي نياز داريم. دانشمندان براي شناخت جهان از رهيافتي جزءگرايانه و مبتني بر ساده‌سازي و تعيين حدود پديده‌ها، استفاده مي‌كنند اما انسان براي به انجام رسانيدن اقدام‌هاي اثربخش، به رويكردي كل‌نگرانه نياز دارد؛ او مي‌خواهد آثار هر اقدام معين را بر اهداف و ارزش‌هاي پرشمار خود، بشناسد و به اين ترتيب خود، از بروز پيامدهاي ناخواسته و غيرمنتظره جلوگيري كند؛ انسان براي اين كار بايد به رويكردي كل‌گرايانه متوسل شود.

9.برخي آينده‌ها بهتر از برخي ديگر هستند. ارزش‌ها و آن دسته از فرآيندهاي ارزشيابي كه سنگ ‌بناي قضاوت‌هاي ما دربارة آينده‌هاي مرجّح و مفاهيم جامعة خوب هستند، در جلد دوم كتاب مورد بحث و بررسي قرار خواهند گرفت. آينده‌پژوهان تأكيد مي‌كنند كه انسان‌ها مي‌توانند نقشه‌هاي بديلي براي آينده‌هاي پرشمار ممكن بسازند و حتي اين كار را نيز انجام مي‌دهند ـ و البته بايد چنين كنند ـ اما نبايد فراموش كرد كه به گفتة جل (255 :1992)، در حقيقت، تنها "يك آينده وجود خواهد داشت، پس بهتر است اطمينان يابيم كه اين آينده، همان آيندة دلخواه ماست." (برگرفته از سايت آينده پژوهي)

نتیجه گیری:

در یک جهان به هم پیوسته، مناسبات و روابط متقابل و پیچیده ای میان عواملی وجود دارد که موفقیت در کسب و کار وابسته به آنها است و هیچ راهی برای مدل‌سازی دقیق رفتارها وجود ندارد. روش های سنتی برنامه‌ریزی استراتژیک که مبتنی بر پیش بینی‌های پیچیده هستند، بسیار سخت می‌نمایند. جهان برای هر شرکت یا سازمانی بسیار پیچیده است، مهم نیست که منابع آن سازمان یا شرکت، برای تولید یک طرح یا برنامه بر مبنای یک رویکرد علمی، چقدر وسیع و بزرگ باشد. در چنین شرایطی، سناریوها راهی را برای پیشبرد طراحی و ترسیم آینده ارائه می کنند. می توان گفت :برای این که دید وسیعی نسبت به آینده داشته باشیم (آینده نگری)باید آن را بشناسیم (آینده شناسی) ،و برای شناخت آن باید در باره آن مطالعه و تحقیق کنیم (آینده پژوهی). به عبارت دیگر لازمه آینده نگری،آینده شناسی،و آینده شناسی،مستلزم آینده پژوهی است (ناصرآبادی،1379).

آینده شناسی در پی محتمل ساختن آینده های مرجح یا مطلوب و توجه به آینده های ممکن است علی رغم تردید در وقوعشان ،تحقق برخی از آنها اثربزرگی برزندگی مردم می گذارد(سیف زاده 1382:192)

منابع:

در دفتر نشریه موجود است.